

## بررسی انتقادی آراء مفسران فریقین در استثنا شدگان از صَعَق در نَفخ صور اول

جواد پورروستایی اردکانی \*

منیره السادات مدنی \*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

### چکیده:

یکی از حوادثی که جهان و جهانیان را برای برپایی قیامت آماده می‌سازد، «نَفخ صور» است. بر اساس آیات و روایات با دمیده شدن در صور همه اهل آسمان‌ها و زمین صاعقه‌زده می‌شوند. در آیه ۶۸ سوره زمر اطلاق «صَعَقَ» بر عموم، با تعبیر «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» مقید گشته است. در حقیقی یا مجازی بودن معنای این تقیید و بر فرض حقیقی بودن استثنا، در مصادیق آن، میان مفسران فریقین اختلاف نظر وجود دارد. تحقیق حاضر آراء مفسران فریقین را بر اساس تحلیل مفاهیم و عناصر موجود در متن آیه، بررسی انتقادی نموده است. نگارندگان، دیدگاهی که استثنا در این آیه را از نوع حقیقی و متصل دانسته است اثبات نموده‌اند. نظرگاه‌هایی چون استثنا بودن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌و آله، اهل بیت ایشان، اهل معرفت، شهدا و انبیا، مؤید با شواهد قرآنی، روایی و عقلی تشخیص داده شد. نظریه‌هایی چون استثناء فرشتگان، حضرت موسی علیه‌السلام، ارواح و ... نقد گردید و دلالت آن به حقیقت امر مخدوش شناخته شد.

کلیدواژه‌ها: صَعَق، نَفخ صور، سوره زمر، استثنا شدگان صَعَق، نقد آراء تفسیری.

\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه یزد، pourroustae@yazd.ac.ir

\*\* کارشناسی ارشد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم میبد (نویسنده مسؤول)؛ m.madani126@yahoo.com

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

رشته تحریر درآمده است. نویسنده در این رساله با بررسی بیش از دویست تفسیر، نفخ صور و دیدگاه مرتبط با فزع، صعق، مشاهد الساعه و احیاء را بیان نموده اما در مورد استثنا شدگان از صعق در نفخ صور اول بررسی صورت نگرفته است. پایان‌نامه با عنوان «اوصاف مرگ و قیامت با محوریت خطبه غراء» توسط زیبا خانگلی فیروز جانی به رشته نوشته شده که در آن اوصاف مرگ و قیامت در آیات و روایات با محوریت خطبه غراء بررسی شده است. تنها موضوع مرتبط با مقاله حاضر اشاره‌ای گذرا به نفخه اول و دوم است که در این مطلب، بحث استثنا شدگان مطرح نشده است.

پایان‌نامه دیگری با عنوان «حشر و مراحل و ویژگی های آن» اثر فاطمه سادات سمگانی فرد به چگونگی وقوع حشر و تمامی مراحل آن پرداخته است. در این اثر سعی شده حشر و مراحل آن از قرآن و روایات معصومین علیهم السلام استنباط شود. در این پایان‌نامه پس از اشاره به استثنا شدن برخی از صعق، تنها به ذکر نظر علامه طباطبایی و سیوطی اکتفاء نموده و سپس بیان داشته که بحث در مورد استثناسدگان خارج از کار این پایان‌نامه بوده و به تحقیق گسترده‌تر نیاز است.

پایان‌نامه «وقایع قیامت در آیات و اسماء قرآنی آن» نوشته سید مرتضی حسینی است که در آن سعی شده وقایع قیامت در پرتو اسماء الهی شناخته شود. نویسنده در این اثر به صورت گذرا به برخی از اقوال مرتبط با استثناسدگان پرداخته است.

مقاله‌ای با عنوان «تفسیر نفخ صور با تأکید بر آیه ۶۸ سوره زمر» به قلم محمد هادی منصوری، پاییز ۱۳۹۱ در مجله مطالعات تفسیری به چاپ رسیده است. هرچند این مقاله تنها اثری است که به صورت ویژه آیه ۶۸ سوره زمر را بررسی نموده اما بحث محوری این مقاله چستی نفخ صور به صورتی روشنمند در این آیه و آیات مرتبط است و در این مقاله مطلبی به جهت کشف استثنا شدگان در این آیه، ذکر نگردیده است.

طبق آیات قرآن کریم، در آستانه قیامت، اسرافیل به دستور خداوند در صور می‌دمد. با توجه به ظاهر آیه و نظر اکثر مفسران، همه موجودات، جز عده کمی می‌میرند؛ اسرافیل برای بار دوم در صور می‌دمد؛ همگی زنده می‌شوند و قیامت بر پا خواهد شد. یکی از آیاتی که در آن وقوع «دو نفخ صور» به‌صراحت بیان شده، آیه «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ» (زمر / ۶۸) است. در ابتدای آیه، فعل «صعق»، به صورت مطلق برای همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، به‌کار رفته؛ اما در ادامه، این عبارت با تعبیر «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» مقید گشته است. در حقیقی یا مجازی بودن معنای این تقیید و بر فرض حقیقی بودن استثنا، در مصادیق آن، میان مفسران فریقین اختلاف نظر وجود دارد. مقصود از عبارت «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» در این آیه چیست؟ آیا عبارت تأکیدی و در جهت نشان دادن اقتدار الهی است؟ یا «إِلَّا» ی به‌کار رفته در آن از استثنا شدن افرادی از بیهوشی و مرگ حاصل از نفخ صور اول خبر می‌دهد؟ اگر این عبارت نشان از استثنای حقیقی باشد، استثناسدگان چه کسانی هستند؟

## ۲- پیشینه پژوهش

در باب پیشینه این بحث باید گفت در تفاسیر متقدم ذیل آیه ۶۸ سوره زمر مطالب مختلفی ذکر شده که هر کدام از مفسران با توجه به مستندات موجود، نظریه‌هایی ارائه نموده‌اند اما سخن درکشف مقصود از عبارت «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» در اکثر این آثار، محدود و گاه قابل نقد است. در آثار متأخر نیز در مورد چستی و جرایب این استثنا بحثی صورت نگرفته و اگر هم سخنی مطرح شده به صورت مختصر اشاره و ذیل مطالب دیگر ارائه گردیده است. به عنوان مثال رساله‌ای با عنوان «تحلیل و نقد نظریه نمادانگاری در آیات اشراط الساعه» به قلم علی سلحشور به

در آن کاربست روش توصیفی است. در این تحقیق ابتدا از روش تاریخی، معنای واژه‌ها بررسی می‌شود؛ سپس مفاهیم استخراج شده در قالب متن قرار گرفته و مناسب‌ترین آن‌ها گزینش می‌گردد.

### ۵-۱-۱- «نَفَخ فی الصَّور»

این عبارت در شش آیه (مؤمنون: ۱۰۱/ کهف: ۹۹/ یس: ۵۱/ زمر: ۶۸/ ق: ۲۰/ الحاقه: ۱۳) به کار رفته و در مجموع به معنای عملی است که خبر از برپایی صحنه قیامت می‌دهد. از نظر برخی مفسران تعابیر دیگری مانند «الصاخه» (عبس/ ۳۳) (قمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۴۰۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ ق، ج ۴، ص ۴۰۳) «زجره» (صافات/ ۱۹) (تیمی، ۱۴۲۵ ق، ج ۲، ص ۸۲۶؛ طبرانی، ۲۰۰۸ م، ج ۵، ص ۳۰۰)، «نقر فی الناقور» (مدثر/ ۸) (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۷۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱۰، ص ۷۱) و ... در قرآن وجود دارد که به رویدادی شبیه نَفَخ صور اشاره می‌کند. در آیه ۶۸ سوره زمر به وقوع دو نَفَخ صور تصریح شده است. اولین آن در پایان این جهان و دومین در هنگام شروع قیامت است.

با توجه به آیات قرآن، با نَفَخ اول وحشت و فزع همه جهانیان را در بر می‌گیرد و تمام موجودات می‌میرند [دچار صعقه می‌شوند]، به جز کسانی که خداوند بخواهد. با دمیده شدن در صور برای بار دوم ناگهان همه برخاسته و در انتظار محاسبه می‌مانند. (نمل/ ۸۷) فاصله بین نَفَخ اول و دوم نیز در بعضی از روایات چهل سال (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۸، ص ۷۹۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۷۲-۷۳) و در بعضی دیگر چهارصد سال ذکر شده است. (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۳۵۰)

قتاده «صَوْر» را به فتح «واو» قرائت کرده و آن را جمع "صورت" دانسته است؛ به این معنا که در زمان برپایی قیامت، در صورت‌ها و چهره‌های مردم دمیده می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۴۷۵) و انسان‌ها برای حضور در دادگاه عدل الهی قیام می‌کنند (جوهری فارابی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص

پس از بررسی‌های صورت گرفته در پیشینه موضوع مورد بحث، این نتیجه بدست آمد که تاکنون تحقیقی به صورت ویژه به «استثناسدگان» در آیه ۶۸ سوره زمر اختصاص نیافته است.

### ۳- مبنای نظری پژوهش

در این مقاله تئوری‌ها و نظریه‌های موجود در باب نوع استثنا در آیه ۶۸ سوره زمر و مصادیق آن با روش چندین تئوری خرد بررسی شده و پس از طرح دیدگاه مفسران، روابط بین آراء و آیه مورد بحث، تبیین و نظرگاه‌ها به صورت جداگانه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

### ۴- روش پژوهش

جستار حاضر برای کشف مقصود از عبارت «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» در آیه ۶۸ سوره زمر، رویکرد تحلیلی و منطقی در پیش گرفته است. در این راستا از شیوه تحلیل مفهومی برای پرده‌برداری از مفاهیم آیه بهره گرفته و از تحلیل گزاره‌ای و با تمسک به عناصر موجود، مقصود نهفته در آیه را در ساختار یک قضیه منطقی، تحلیل نموده و نکات مربوطه را استخراج کرده است.

### ۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها و بحث و بررسی

در این بخش پس از شرح و پرداختن به مفاهیم کلیدی، نوع استثنا در آیه تعیین و مصادیقی که به وسیله شواهد قرآنی، روایی و عقلی تأیید می‌شود، مشخص گردیده است. در آخر حکمت استثنا شدن مصادیق تأیید شده، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۵- مفاهیم

برای فهم مقاصد و مدالیل متن با تأکید بر الفاظ، روش معناشناسی با دو نوع معناشناسی تاریخی و معناشناسی شناسی توصیفی به کار گرفته می‌شود. در معناشناسی تاریخی پیشینه استعمال واژه، مخصوصاً در عصر نگارش کاوش می‌شود و کشف مفهوم یک واژه یا اصطلاح با توجه به متن و گزاره‌های موجود

در تفاسیر برای واژه «فَصَعِقَ» در آیه ۶۸ سوره زمر نیز با توجه به فعل «أَفَاقَ» (زمخشری، ۱۳۸۶ ش، ص ۵) در آیه ۱۴۳ سوره اعراف و عبارت «حَذَرَ الْمَوْتِ» در آیه ۱۹ سوره بقره، دو معنای بیهوشی (نیآوردی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۳۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۷، ص ۴۷۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۵۵) و مرگ (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۴، ص ۲۰؛ بغوی، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، ص ۱۰۰؛ ابن‌ابی‌جامع، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۱۲۵) بیان شده است.

برخی این واژه را «صدای شدیدی که از اصطکاک میان ابرها و غیر آن بوجود می‌آید، معنا کرده‌اند؛ (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش، ج ۶، ص ۲۴۲) همچنین روایتی از امام سجاد علیه‌السلام نقل شده که در آن «صعق و موت» دو امر جداگانه دانسته شده است. (فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ دُوْرُوحٍ إِلَّا صَعِقَ وَ مَاتَ وَ يَخْرُجُ الصَّوْتُ مِنْ الطَّرْفِ الَّذِي يَلِي أَهْلَ السَّمَاوَاتِ... فَلَا يَبْقَى فِي السَّمَاوَاتِ دُوْرُوحٍ إِلَّا صَعِقَ وَ مَاتَ إِلَّا...) (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۰۲)

بنابراین با توجه به مطالب بالا و دستاورد دانش تجربی بشر که محدوده‌ای را به عنوان آستانه تحمل در انسان معرفی کرده و در آن بیان شده که هرگاه شدت صوت از حد بگذرد، بی‌هوشی و مرگ برای انسان رخ خواهد داد.

(André Gottschalk, (2011). 108(27): 469-474)

می‌توان گفت بیهوشی و مرگ دو رخداد مستقل، اما هم‌راستا و از تبعات صعق هستند؛ لذا بهتر است برای بازگردانی دقیق‌تر، این فعل به «صاعقه زده شدن» ترجمه شود.

### ۳-۱-۵- «إِلَّا»

«إِلَّا» به جهت کثرت کاربرد آن، اصل در ادات استثنا به شمار می‌رود و در لغت به معنای «مگر و جز» است؛ مانند: «جاء القومُ إلَّا زیداً». البته گاه «إِلَّا» در معانی دیگر نیز به کار می‌رود از جمله در جایگاه وصف و به معنای «غیر»؛ مانند: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیاء / ۲۲). در این آیه «إِلَّا» وصف و اسم مبنی است که حرکت آن به اسم بعد از آن (الله) منتقل شده است. این واژه بسیط اگر مرکب باشد، از «ان» شرطیه و «لای نفسی» ترکیب یافته است و در این صورت از حروف جازمه بوده و

(۷۱۶)؛ لذا مقصود از «يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ» را روزی دانسته‌اند که به وسیله دمیده شدن در صور ارواح دچار مرگ می‌شوند؛ (جوهری فارابی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۷۱۶) که البته بسیاری از صاحب‌نظران روح (نفس) را جاودانه می‌دانند و معتقدند فنا و نابودی برای روح (نفس) وجود ندارد. (ابن‌سینا، ۱۳۹۵، ص ۲۰۲؛ سهروردی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۳۳؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۳۸۱؛ کهن، ۱۳۵۰، ص ۳۸۶-۳۸۱)

### ۲-۱-۵- صعق

صَعِقَ در لغت به معنای شدت صوتِ رعد است؛ (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۱۲۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۸۴) مشتقات این واژه یازده مرتبه، در ده آیه قرآن استفاده شده است؛ واژه‌های «صاعقه» و جمع آن «صواعق»، هشت مرتبه و واژه‌های «صَعِقًا» (اعراف / ۱۴۳)؛ «يَصْعَقُونَ» (طور / ۴۵)؛ «فَصَعِقَ» (زمر / ۶۸) تنها یک‌بار به‌کار رفته است.

برخی از مفسران مفاهیم بیهوشی (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۷، ص ۴۷۶) مرگ، (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰، ص ۱۹۸؛ قرشی، ۱۳۷۴ ش، ج ۴، ص ۱۲۸) آتش و عذاب (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۵، ص ۲۰۱) را وجوه این واژه دانسته و آیات (اعراف / ۱۴۳)، (نساء / ۱۵۳)، (الرعد / ۱۳)، (فصلت / ۱۳) را به عنوان مثال مطرح نموده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد نمی‌توان الفاظ بیان شده در موارد بالا را وجوه واژه «صاعقه» دانست؛ زیرا وجوه در علوم قرآنی به واژه‌ای که دارای معانی گوناگون باشد، اطلاق می‌شود؛ (سیوطی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۴۱۰) در حالی که در همه مثال‌های ذکر شده «صاعقه» به یک مفهوم و آن هم به معنای «پدیده طبیعی» است؛ (Maggio, Christopher R, (2009). 114 (D14): D14203) لذا وجوه مطرح شده، معانی دیگر این کلمه نیست بلکه گویای جنس (نور)، آثار (آتش گرفتن و مرگ) و حکمت وقوع (عذاب برای ظالمان) صعق است؛ بنابراین مثال‌ها و طرح این مفاهیم به عنوان وجوه، صحیح به نظر نمی‌رسد.

نشده؛ لذا به نظر می‌رسد استثنا در این آیه متصل و برای تخصیص افرادی از اهل آسمان و زمین است.

#### ۲-۵- تحلیل گزاره‌ای

آیه ۶۸ سوره زمر دارای پنج گزاره است: الف) وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ؛ ب) فَصَعَقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ؛ پ) إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ؛ ت) ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى؛ ث) فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ.

گزاره «الف» به نَفَخ صور اول اشاره دارد که نَفَخ به معنای «دمیدن باد در چیزی» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۷۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۱۶) و صور (به ضم صاد)، چیزی مانند شاخ حیوان است که در آن دمیده می‌شود و خداوند سبحان دمیدن در آن را نشانه‌ای برای بازگشت صورت‌ها و ارواح به اجسام قرار داده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۹۸) برخی معتقدند این شاخ از جنس نور است (کبیر مدنی، ۱۳۸۴، ش، ج ۸، ص ۲۷۳) و برخی دیگر به درک ناشدنی بودن ماهیت «صور» اذغان نموده‌اند. (فراء، ۱۹۸۰، ج ۲، ص ۴۲۵؛ جوهری فارابی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۱۶؛ مرتضی زبیدی، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۱۱۲).

گزاره «ب» اثر ظاهری نَفَخ صور را بیان می‌کند. شرح بیشتر گزاره‌های الف و ب در بخش‌های قبل گذشت. گزاره «ت» به نَفَخ صور دوم اشاره دارد. برخی تعداد نفخات را سه یا چهار بار دانسته‌اند، اما قول مشهور مفسران آن است که تنها دو نفخه وجود دارد. (رک: منصور، ۱۳۹۱، ص ۹۸) و گزاره «ث» صحنه پس از نَفَخ صور دوم را به تصویر می‌کشد. «ضمیر در «فیه» به کلمه «صور» بر می‌گردد. و کلمه «اُخْرَى» صفت برای موصوفی است که حذف شده و تقدیرش «و نَفَخ فِيهِ نَفْخَةً أُخْرَى» است. و کلمه «يَنْظُرُونَ» به معنای «بمنتظرون - منتظرند» و یا به معنای معروف خود کلمه است که همان نظر کردن باشد». (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۲۹۴) پس از زنده شدن ناگهانی موجودات، همه

باعث مجذوم شدن دو فعل می‌شود. (ابن هشام، ۱۴۲۴، ص ۸۳ تا ۸۷) «إِلَّا» در علم بلاغت از ادوات حصر است که به صورت «نفی و استثنا» به کار می‌رود. (هاشمی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۷۰). برخی «إِلَّا» در آیه ۶۸ سوره زمر را (آیه مورد بحث این مقاله) استثنائیه و از نوع منقطع دانسته‌اند. (صافی، ۱۴۱۸، ج ۲۴، ص ۲۰۹) علت انقطاع در این استثنا ذکر نشده است. علامه طباطبایی در تحلیل اتصال یا انقطاع استثنا در این آیه بیان داشته: «بله اگر برای خدا خلقی تصور شود که در ورای آسمان‌ها و زمین بوده باشند، آن وقت ممکن است بگوییم استثنای مزبور به‌طور منقطع آنان را استثنا کرده و یا بگوییم مرگ عبارت است از جدایی روح از جسد و این تنها در جانداران دارای جسد تصور دارد و اما ارواح نمی‌میرند و منظور از استثنا ایشان‌اند و در این صورت استثنای مزبور منقطع نیست، بلکه متصل است، چون ارواح هم در بین «مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ» هستند». (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۲۹۳)

مستثنا در این آیه، «مَنْ شَاءَ اللَّهُ» و مستثنی منه «مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ» است. برای تعیین منقطع یا متصل بودن استثنا باید دانست آیا میان مستثنا و مستثنی منه علاقه بعضیت وجود دارد یا خیر که در این مورد برای داشتن استثنا منقطع، «مَنْ شَاءَ اللَّهُ» نباید بعض «مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ» باشد در صورتی که سیاق آیه خلاف این امر را می‌رساند.

در آیه به موجودات احتمالی در غیر آسمان‌ها و زمین اشاره‌ای نشده است و اگر قرار بود موجوداتی غیر از اهل آسمان‌ها و زمین از صَعَق استثنا شوند، نیازی به بیان عبارت «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» نبود و همان جمله «فَصَعَقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ» برای بیان صاعقه‌زده شدن انحصاری اهل آسمان‌ها و زمین کفایت می‌نمود اما اگر گفته شود این عبارت به‌عنوان تأکیدی برای غیر اهل آسمان‌ها و زمین ذکر شده است باید گفت در این آیه قرینه‌ای برای تأکیدی بودن «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» یافت

می‌ایستند و منتظر مراحل بعدی قیامت و حسابرسی اعمال می‌شوند.

اما منظور از گزاره «پ» چیست؟

در شرح و تعیین مقصود عبارت «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ»، دو برداشت قابل طرح است: ۱) در امان ماندن برخی از افراد از صعق پس از نفخ صور. ۲) تأکید اقتدار الهی و مرگ همه موجودات پس از نفخ صور اول. در ادامه هر یک از دو احتمال، بررسی می‌گردد.

#### ۱-۲-۵- استثنای حقیقی از عموم صعق

اکثر مفسران معتقدند «إلا» ی استثنا در آیه ۶۸ زمر، متصل و دلالت بر استثنای حقیقی دارد؛ یعنی با نفخ صور اول، همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند، مگر افراد خاصی. در مورد این‌که این افراد چه کسانی خواهند بود و علت یا حکمت این استثنا چیست؟ نظرات مختلفی مطرح است که در ادامه مقاله بررسی خواهد شد.

#### ۲-۲-۵- استثنا برای تأکید عموم قدرت خداوند

در تعیین مقصود از عبارت «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» احتمال دومی نیز وجود دارد و آن اینکه این عبارت برای یادآوری و تأکید بر قدرت الهی و ضعف و زبونی تمامی نیروها در مقابل اراده خداوند است. در آیات «سُنْفُرُكُ فَلَا تَنْسَى \* إِيَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» (اعلی: ۶ و ۷) اکثر مفسران «إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» را به معنای تأکید بر قدرت و مشیت الهی دانسته‌اند؛ یعنی آیه این‌گونه معنا می‌شود که تو ای پیامبر، از فراموش کردن وحی منزله هستی؛ مگر اینکه خدا بخواهد که تو فراموش کنی؛ یعنی ما باید بخواهیم، ما هم که نمی‌خواهیم قرآن از یاد تو برود؛ پس تو هرگز قرآن را فراموش نخواهی کرد؛ (سایت اسراء، ۲۱/۱۰/۱۳۹۳)، جلسه ۴۶)

با در نظر گرفتن آیات ۶ و ۷ سوره اعلی، ممکن است این مفهوم به آیه ۶۸ زمر نیز سرایت داده شده و معنای آیه بدین صورت بیان گردد: با دمیده شدن در صور [به قدرت و اراده الهی] همه آن‌هایی که در آسمان و زمین هستند، می‌میرند، مگر آن‌که خداوند خلاف این امر را اراده نماید. [تنها مشیت الهی

است که می‌تواند از مرگ همگانی جلوگیری کند و نه هیچ قدرت دیگری].

این احتمال در سوره اعلی، احتمال وجهی است و برخی از مفسران فریقین، آن آیات را به معنای تأکید بر اقتدار و حاکمیت مشیت الهی گرفته‌اند. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، ج ۴، ص ۶۶۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۷۲۰-۷۲۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۵۷۱)

در آیه محل بحث، استثنای از صعق به خودی خود، می‌تواند نشانه اقتدار الهی باشد اما نکته مهم و قابل توجه آن است که اگر روایات تعیین گروه مستثنی از صعق اجمالاً بررسی گردد، چنین نتیجه گرفته می‌شود که در تعیین استثناسازگان، اختلاف وجود دارد؛ (رک: ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۲۵۷؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۴، ص ۲۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۲۵۵؛ طبرسی، ۱۳۰۷، ج ۲۱، ص ۲۱۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۳۴۸-۳۴۹؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۵۴۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۴۷۶) و گویا «اجماع مرکب» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، ج ۳، ص ۶۸۷؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۱۹۴؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۴، ص ۲۰؛ طبرسی، ۱۳۰۷ ق، ج ۸، ص ۷۹۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۷، ص ۴۷۶؛ صافی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲۴، ص ۲۰۹) بر این نظر وجود دارد که اصل استثنا، استثنای حقیقی است و اختلاف نظر فقط در این است که استثناسازگان، چه کسانی هستند.

همچنین ظاهر ادات استثنا که دلالت بر استثنای حقیقی دارد نیز مؤید این برداشت و مخالف نظریه تأکید بر اقتدار الهی است. در این صورت، حمل ادات استثنا به معنای مجازی، و برداشتی غیر از استثنای حقیقی، نیازمند شاهد یا شواهد کافی است. نکته مهم دیگر آن که در میان مفسران فریقین، ظاهراً و تا جایی که نگارندگان تتبع کردند، این نظریه، مسبوق به سابقه نیست؛ لذا به نظر می‌رسد دیدگاه استثنا بر تأکید عموم بر قدرت خداوند بر

۱. روایاتی که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

مبنای آیات مشابه ارائه شده که برای تأیید این قیاس، شاهد و گواهی ارائه نشده است.

### ۳-۵- استثناشدگان

در صورتی که احتمال اول یعنی حقیقی بودن استثنای از صعق پذیرفته شود، آن گاه نوبت به طرح این پرسش می‌رسد که استثناشدگان از صعق چه کسانی هستند؟ و با توجه به اعتقاد به حکیمانه بودن افعال الهی، علت یا حکمت استثنای این افراد از صعق چیست؟

در خصوص کیستی استثناشوندگان، در میان مفسران اقوال متعددی مطرح شده است که در ادامه به اختصار این دیدگاه‌ها گزارش و بررسی می‌شود:

#### ۱-۳-۵- برخی فرشتگان

از ابن عباس، (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۴۷۶) حسن بصری (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۵، ص ۳۸۶)، سدی (طبرسی، ۱۳۰۷، ج ۸، ص ۷۹۲؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۷) و حذیفه (ابن جوزی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۱-۲۸) نقل شده استثناشدگان «جبرئیل»، «میکائیل»، «اسرافیل» و «عزرائیل» هستند که پس از مرگ سایرین، ابتدا به جبرئیل، پس از آن اسرافیل و سپس ملک‌الموت امر می‌شود که بمیرند و [پس همگی به مدت] چهل سال می‌میرند. سپس خداوند اسرافیل را زنده می‌گرداند و امر می‌کند بار دوم، در صور بدمد. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۶۸۷؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۱۹۴؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۴۶۶) لازم به ذکر است که فخر رازی و ابن جوزی بدون ذکر سلسله سند، فقط با نام بردن از ابن عباس و حذیفه روایات مذکور را نقل کرده‌اند. طبرانی هم بیان داشته، حسن بصری از سدی نقل نموده و این در حالی است که طبرسی روایت سدی را مرفوع دانسته است.

در قولی شبیه روایت بالا انس بن مالک از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره استثناشدگان از صعق در نفع صور می‌پرسد؛ (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۴، ص ۲۲؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص

۳۲۵۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۲۵۵) اما برخی از مفسران این روایت را نیز مرفوع و ضعیف دانسته‌اند؛ زیرا طبری این روایت را از طریق یزید رقاشی و او از انس نقل نموده در حالی که هم سند آن ضعیف و هم یزید رقاشی شخصی ضعیف روایه است؛ (نیآوردی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۳۶؛ طبرسی، ۱۳۰۷، ج ۲۱، ص ۲۱۴؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۰۳) بر اساس روایتی از کعب الاحبار تعداد فرشتگان استثنا شده، دوازده نفر است که هشت تن آن‌ها فرشتگان حامل عرش‌اند و چهار فرشته دیگر جبرئیل، میکائیل، عزرائیل و اسرافیل هستند. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۳۴۹)

هرچند احادیث استثنای تعدادی از فرشتگان در برخی منابع با سند صحیح ذکر شده است؛ (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۵۲-۲۵۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۳۷۲) اما اختلاف در نام فرشتگان استثنا شده، نحوه متفاوت بیان وقوع حوادث، کاربرد واژه «موت» برای فرشتگان و بیان مطالبی چون ترس جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل از سكرات موت، بر تردید در صحت احادیث می‌افزاید؛ لذا با وجود چنین ایراداتی در متن و سند، دلالت این روایات به حقیقت امر مخدوش می‌شود.

#### ۲-۳-۵- شهیدان

گروهی از مفسران همچون سعید بن جبیر، (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۱۹۴؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۵۴۱؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۷) قتاده، (صنعانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۴۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۴، ص ۲۲؛ طبرسی، ۱۳۰۷، ج ۲۱، ص ۲۱۴) ابن قتیبه مقصود از «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» را شهدا دانسته‌اند. (ابن‌قتیبه، ۱۴۱۱، ص ۳۳۰)

سعید بن جبیر و عطار از ابن عباس و ابوهریره، روایت طولانی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که آن حضرت درباره این آیه، از کسانی که شامل بی‌هوشی مرگ‌آور نمی‌شوند، از جبرئیل سؤال فرمود؛ جبرئیل در پاسخ گفت: ایشان شهیدان هستند که شمشیرهای خود را کنار عرش به کمر بسته‌اند.

دیگر برای این‌ها نیست؛ این‌ها «لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى»... هستند. (سایت اسراء، ۱۳۹۳/۱۰/۲۱، جلسه ۴۶)

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آنکه صعق برای اجسام اتفاق می‌افتد یا ارواح و یا هر دو؟ اگر برای اجسام است که اکثر شهیدان فی سبیل الله قبلاً دچار مرگ جسمی شده‌اند و نیازی نبوده که خداوند آن‌ها را استثنا کند و اگر برای ارواح است - همان‌گونه که قبلاً بیان شد - نظر اکثر دانشمندان بر جاودانگی روح است. در راستای پاسخ به این دو سؤال روایتی مرتبط بیان می‌گردد:

سؤال کننده‌ای از امام باقر علیه‌السلام پرسید: «...یا ابا عبد الله آیا روح بعد از خروج از بدن متلاشی می‌گردد یا باقی به همان حال است؟ حضرت فرمود: روح باقی است تا وقتی که اسرافیل در صور بدمد؛ در آن هنگام تمامی اشیاء باطل و فنا گردد؛ پس حس و محسوسی نماند؛ سپس خداوند اشیاء را آن‌چنان که در مرتبه اول بوده‌اند، اعاده و ایجاد نماید و این وقایع بین دو نفخه است...» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۵۰) بنابراین با توجه به این حدیث ارواح هم پس از صور اسرافیل دچار صعق می‌شوند. برای روشن‌تر شدن این بحث به دو روایت دیگر از حضرت صادق علیه‌السلام اشاره می‌شود:

ایشان در مورد آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره/۱۴۳) فرموده‌اند: «...کسی که شهادت او در این دنیا بر یک صاع خرما پذیرفته نمی‌شود چگونه در روز قیامت برای شهادت طلبیده می‌شود؟... نه چنین نیست خدا هرگز چنین افراد را اراده نکرده است». (صحیفه السجادیه، ۱۳۷۶، ص ۴۵-۴۶؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۶۰) در روایات دیگری این‌گواهان بر پیشوایان معصوم علیهم‌السلام تطبیق شده است. (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶۳؛ کوفی، ۱۴۱۰، ص ۶۲؛ عباشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۴۷) از جمله از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده: «ما هستیم که خداوند

(طبرسی، ۱۳۰۷، ج ۲۱، ص ۲۱۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۳۴۹-۳۴۸؛ تعلی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۲۵۵)

در روایت دیگری رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره افرادی که استثنا شده‌اند، فرمودند: آن‌ها شهیدان هستند و فزع آن روز به همه می‌رسد، مگر به شهدا که پروردگار در مورد آن‌ها فرموده: «أَحْيَاءٌ، عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»، «یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ» و «فَفَرَعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ». (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۲۵۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۴۷۶)

با بررسی آیات، روایات و آراء تفسیری مرتبط با واژه «شهدا»، مشاهده می‌شود که این واژه حدود ده مصداق مختلف را در برمی‌گیرد؛ که کشته‌شدگان در راه جهاد الهی، تنها یکی از مصدق آن می‌باشند؛ لذا این‌که مقصود از «شهدا» چه کسانی هستند؛ و آیا این استثنا شامل همه مجاهدان در همه مراتب و درجات می‌شود یا نه، باید پس از بررسی اصالت حدیث - تتبع شود.

نکته‌ای که در احادیث، با وجود طرق مختلف تکرار گردیده، این است که «شهدا» با «شمشیر» در عرش الهی حضور خواهند داشت؛ اما چرا در روایات بر شمشیر تأکید شده است؟ و چرا مثلاً گفته نشده با بدن‌های آغشته به خون و زخمی راه خدا، حضور خواهند داشت؟ شاید استدلال به بدن‌های زخمی نشانه‌ای ملموس‌تر برای شهادت در راه خدا باشد. آیا ذکر "شمشیر" تنها نشان مجاهدان راه خدا است یا نشانی برای انجام یک اقدام و عمل خاص؟

برخی از محققان معاصر معتقدند «الا من شاء الله» اختصاصی به حاملان عرش ندارد، کسانی که در حد عصمت و امامت هستند «بالاصالة» و شاگردان ملحق به این‌ها، مثل شهدا و صلحا و صدیقین البته با حفظ درجات و مراتب، ممکن است به تبع این‌ها هم زنده باشند؛ این‌ها زنده وارد برزخ می‌شوند و زنده از برزخ وارد قیامت می‌شوند، و آیه «رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ»



قصده در کلامش وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ... هر زمان، امامی از ما دارد که شاهد بر اهل زمان خود است». (هلالی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۸۸۵-۸۸۶)

### ۳-۳-۵- حضرت موسی علیه السلام

در برخی از کتاب‌های تفسیری عامه و خاصه، روایتی از ابی هریره، (صنعانی، ۱۴۱۱، ق، ج ۲، ص ۱۴۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ق، ج ۲۴، ص ۲۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ق، ج ۲۷، ص ۴۷۶) جابر بن عبدالله انصاری (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ق، ج ۱۶، ص ۳۴۸) و ابی سعید خدری (آلوسی، ۱۴۱۵، ق، ج ۸، ص ۴۶۹) نقل شده، مبنی بر این که حضرت موسی علیه السلام کسی است که از مرگ، توسط نفع صور استثنا شده است؛ زیرا او یک بار مرده است: «وَ خَرَّ مُوسَى صَعْقًا» این نظر در راستای تفسیری است که صعق حضرت موسی علیه السلام به مرگ تفسیر شود.

گفته شده که دلیل این تأویل آن است که روایت شده یک روز مردی جهود در بازار مدینه می‌گفت: و «الذی اصطفی موسی علی البشر» به آن خدایی که موسی را بر آدمیان برگزید قسم. فردی از انصار سیلی بر روی او زد و گفت: چنین می‌گویی و رسول خدا در میان ماست! رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم این آیه خواندند؛ آن گاه چون به جای استثنا رسیدند، فرمودند: اول کس که سر از گور بردارد، من باشم که موسی را بنگرم در حالی که او دست در قایم‌های از قوایم عرش زده، ندانم تا او را پیش از من زنده کرده باشند؟ یا او از آنان باشد که خدای در این آیه از صعق استثنا کرد؟»

از لحاظ سند و احوال راویان حدیث، ابی هریره (ابن شاذان، ۱۳۵۰ ش، ص ۴۹۷-۴۹۴؛ ابن بابویه، ۱۳۵۴ ش، ص ۱۸۵-۱۸۴؛ ابن قتیبه، ۱۴۰۵، ق، ص ۲۸-۲۷؛ ابوریح، ۱۹۶۹ م، کل کتاب) متهم به کذب و وضع است اما جابر (ابن قییم جوزیه، ۱۹۷۳ م، ج ۱، ص ۱۲؛ ذهبی، ۱۴۲۷، ق، ج ۳، ص ۱۸۹) و ابی سعید (برقی، ۱۳۴۲ ش، ص ۲؛ طوسی، ۱۳۴۸ ش، ص ۳۸-۳۰) افرادی هستند که از جانب رجالیون فقیه، موثق و

ممدوح اعلام شده‌اند؛ اما تنها مفسری که از جابر روایت کرده، ابو الفتوح است و او نیز سلسله سند حدیث را ذکر نکرده است؛ لذا از این نظر اصالت حدیث جابر نیز دچار اشکال می‌شود. لازم به ذکر است که روایت ابی سعید و ابوهریره در صحیح بخاری، صحیح مسلم و ... نقل شده است.

از لحاظ محتوا، مطلب قابل برداشت از جمله پایانی، محل اشکال است؛ زیرا از این روایت چنین به نظر می‌رسد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جزء امان یافتگان از صعق نیستند؛ و این احتمال داده شده که حضرت موسی علیه السلام از استثناشدگان باشند. چگونه ممکن است خاتم و افضل پیامبران و کسی که پیامبران پیشین به آمدن ایشان بشارت داده‌اند، دچار فزع و صعق روز قیامت شوند؟! نکته دیگر اینکه در آیه مورد بحث قرینه‌ای برای این مطلب که «افرادی که یک بار دچار صعق شده‌اند، در رخدادهای دیگر از صعق در امان خواهند بود» وجود ندارد؛ اگر بخواهیم این قاعده را برای در امان ماندن در نظر بگیریم، آن چهل نفر که همراه موسی علیه السلام به میعادگاه رفتند و اتفاقاً آن‌ها نیز دچار صعقه (ابن بابویه، ۱۳۸۷، ق، ج ۱، ص ۲۰۰؛ حویزی، ۱۴۱۵، ق، ج ۲، ص ۶۴) شدند و به درخواست موسی علیه السلام دوباره حیات یافتند، نیز باید از نفع صور در امان باشند! (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۲۹۳) در قرآن کریم به مرگ و حیات مجدد افراد دیگری نیز اشاره شده در حالی که در روایات قرینه‌ای برای استثنا شدن آن‌ها وجود ندارد. (مانند مرگ و حیات عزیر پیامبر؛ توبه: ۳۰) بنابراین هرچند ممکن است حضرت موسی علیه السلام جزء استثناشدگان باشند اما دلایل ارائه شده توسط طرفداران این نظریه صحیح به نظر نمی‌رسد.

### ۴-۳-۵- حور، ولدان و نگهبان‌های رضوان و دوزخ

برخی، مصداق استثناشدگان از صعق را مالک رضوان، حورالعین و خزنه دوزخ دانسته‌اند. (طبرانی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۳۸۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۳۴۸؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۸،

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه پس از بیان برخی از آراء، این دیدگاه را از همه سخنان، سخیف‌تر و بی‌پایه‌تر دانسته است.

(طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۱۷، ص ۴۴۵)

شکی نیست که خداوند، جاویدان و وجه او، وجه باقی است؛ اما این که مقصود از استثنا در این آیه، الله جل جلاله دانسته شود، امر نادرستی است؛ زیرا علاوه بر آن که هیچ شاهی برای اثبات این رأی موجود نیست، بلکه با سیاق و ظاهر آیات مربوطه نیز سازگاری ندارد. آیه در پی آن است که مرگ همه موجودات آسمان و زمین در نطفه صور اول و زنده شدن آن‌ها را در نطفه صور دوم، قبل از برپایی صحنه قیامت را به تصویر بکشد و در این استثنا، سخن از اراده و قدرت خداوند (شاء الله) در برپایی صحنه محشر و وقایع آن است؛ در حالی که آیه «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ» در مقام بیان اوصاف خداوند است؛ لذا از لحاظ محتوایی بدون ارتباط با آیه مربوطه به نظر می‌رسد.

۷-۳-۵- انبیا

مالک بن انس روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که ایشان استثنا را انبیا الهی دانسته‌اند. (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۵۴۱) در میان مفسران، ابن عطیه در نقل این روایت منفرد است و منبع یا سندی هم برای حدیث مذکور نقل نکرده است، لذا از آنجایی که در آیه مورد بحث نیز قرینه‌ای برای رد یا تأیید این دیدگاه وجود ندارد، تنها می‌توان آن را به عنوان یکی از احتمالات تفسیری مطرح نمود.

۸-۳-۵- مارها و کژدمان دوزخ

برخی گفته‌اند مقصود از استثناشدگان از صعق، مارها و کژدمان دوزخ است، اما دلیل یا سندی بر اثبات این مدعا ارائه نکرده‌اند. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۳۴۹؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۵، ص ۳۸۶)

سؤالی که با ذکر این دیدگاه به ذهن مبادرت می‌کند این است که چرا خداوندی که ارحم الراحمین است، تنها چیزی که زنده نگه می‌دارد، لوازم عذاب است؟ آیا او می‌خواهد بلافاصله و بدون

ص (۴۳۶) ظاهراً شاهد و مؤیدی برای انتخاب یا پذیرش این تفسیر ذکر نشده است. فخر رازی نیز این دیدگاه را با کمی تفاوت نقل نموده و پس از ذکر «حورالعین» ساکنان عرش و کرسی را هم اضافه کرده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۷، ص ۴۷۶؛ صنعانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۱۴۳؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۰، ص ۳۲۵۶)

با بررسی‌های صورت گرفته در آیات، نمونه‌ای یافت نشد که خداوند برای فرشتگان از اسم موصول «من» استفاده نموده باشد؛ به این سبب و اینکه این رأی تفسیری، پشتوانه قرآنی و روایی ندارد، پذیرش دیدگاه حور و ولدان و نگهبانان به عنوان استثنا شدگان از صعق محل اشکال خواهد بود؛ یا حداقل اینک شاهدی برای پذیرش این ادعا وجود ندارد.

۵-۳-۵- ناشناخته بودن مستثنا

قتاده درباره آیه «فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» گفته است: «[با نطفه صور اول] احدی باقی نماند مگر آن که می‌میرد و قطعاً افرادی را استثنا نموده که خدای، عالم‌تر است به آن که چه کسانی استثنا شده‌اند، (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۳۴۸) در حالی که در قرآن و اخبار چیزی که برای تشخیص این افراد دلالت کند، وجود ندارد.» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۴۷۶) اکثر مفسران بر این نکته که در آیه مربوطه قرینه‌ای برای تشخیص استثناشدگان وجود ندارد، هم نظر هستند؛ اما برخلاف آنچه قتاده ادعا کرده، در آیات دیگر و اخبار متعددی استثناشدگان معرفی شده‌اند.

۶-۳-۵- خود پروردگار

از حسن [بصری] نقل شده که خود پروردگار از این امر مستثنا است. وی به آیه «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمن: ۲۷) استناد نموده و می‌نویسد: «هو الله الواحد القهار» مستثنا خدا است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۷، ص ۴۷۶؛ نیآوردی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۳۶؛ میبیدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۸، ص ۴۳۶)

فوت وقت، بعد از نشر انسان‌ها، متمردان درگاهش را عذاب کند؟

یکی از اشکالاتی که بر این دیدگاه وارد است، توجه نکردن به کاربرد اسم موصول «مَن» و اختصاص آن به انسان یا موجودات ذی‌شعور است. باید توجه داشت که اگر مقصود مار و عقرب بود، از اسم موصول «ما» استفاده می‌شد.

آیات «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (حج/ ۱۸) و «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (نور/ ۴۱) شاهدهی بر این مدعا است؛ زیرا خداوند در ابتدا «مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ» را بیان و سپس به صورت جداگانه خورشید و ماه، درختان، چهارپایان، پرندگان و ... را به آن عطف نموده است؛ به این معنا که جمادات، نباتات و حیوانات در جرگه اسم موصول «مَن» قرار نمی‌گیرند؛ لذا به نظر می‌رسد نمی‌توان این دیدگاه که مارها و کژدمان را استثناسدگان از صعق دانسته‌است، مصداق مناسبی برای استثنا آیه ۶۸ سوره زمر دانست.

### ۹-۳-۵- اموات قبل از نفع صور

برخی با استناد به آیه «لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى» (دخان/ ۵۶) استثناسدگان از صعق را کسانی دانسته‌اند که قبل از صعق مرده‌اند و یک‌بار دیگر نمی‌میرند. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۳۴۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۵، ص ۲۸۰؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۲۲۱) این دیدگاه قابل قبول به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اولاً آیه مورد استناد، در سیاق آیاتی است که خداوند در آن به بیان نعمت‌های متقین در بهشت، شامل جایگاه، لباس، همسر، خوراک و سایر نعمت‌های آن‌ها پرداخته است؛ یکی از آن نعمت‌ها و جاودانگی بهشتیان است؛ زیرا مرگ آن‌ها تنها همان مرگ اول [در دنیا] بوده است. اما این دیدگاه بدون در نظر

گرفتن سیاق و بدون ذکر هیچ قرینه‌ای، صحنه‌ای از بهشت اخروی را به حادثه قیامت مرتبط کرده است. (دخان/ ۵۱-۵۷) ثانیاً هر مرگی در پس حیات رخ می‌دهد و وقوع مرگ برای «مرده» بی‌معنا است؛ لذا اینکه گفته شود خداوند فرموده با نفع صور همه می‌میرند مگر آن‌ها که مرده‌اند، به نوعی جمله را دچار حشو می‌کند، و با بلاغت و فصاحت کلام وحی متناسب نیست؛ در نتیجه این دیدگاه نیز با توجه به دلایل ذکر شده پذیرفتنی نیست.

### ۱۰-۳-۵- همه ارواح

علامه طباطبایی پس از بیان برخی از دیدگاه‌ها، بیان داشته «با توجه به لفظ آیه نمی‌توان هیچ‌کدام از این دیدگاه‌ها را مستند نمود.» ایشان در ادامه فرضیه دیگری را مطرح کرده و احتمال داده‌است، مقصود از استثنا در این آیه «ارواح جداشده از بدن» است:

«اگر بگوییم مرگ عبارت است از جدایی روح از جسد و این تنها در جانداران دارای جسد تصور دارد و اما ارواح نمی‌میرند و منظور از استثنا ایشان‌اند.. چون ارواح هم در بین «مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ» هستند. مؤید این وجه بعضی از روایاتی است که از ائمه اهل بیت علیهم السلام رسیده است؛ مانند آن روایتی که در ذیل آیه شریفه «لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ» وارد شده، جوابی که در آیه آمده، یعنی جمله «لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»، کلام ارواح انبیا علیهم السلام است و روایاتی دیگر که این معنا را تأیید می‌کند.» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۴۴۵)

بر اساس روایات موجود، در ورای هفت آسمان، عرش و کرسی الهی وجود دارد که در آن نیز ملائکه‌ای حضور دارند، (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۹۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۴۱۴؛ امین، ۱۳۷۵، ج ۱۳، ص ۳۷۵) اما ظاهر آیه این نکته را نمی‌رساند که خدا فرموده باشد: هر که در آسمان و زمین است دچار صعق می‌شود، مگر آن‌ها که در ورای آسمان‌ها و زمین‌اند؛ بلکه ظاهر آیه استثناسدگان را از محدوده زمین و آسمان‌ها

می‌داند؛ بنابراین شاید با توجه به ظاهر آیه احتمال این که استثنا مزبور منقطع باشد، پذیرفتنی نباشد.

ایشان همچنین با استناد به روایت (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۷۵۱) مربوط به آیه «لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ»، ارواح انبیا را پاسخگوی این سؤال می‌داند، در صورتی که روایات و آراء مخالف، بر این نظر غلبه دارد. برای روشن شدن بحث به طور خلاصه به آراء موجود در مورد آیه «لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ» اشاره می‌گردد:

۱) به علت مرگ تمام موجودات، پاسخ این سؤال نیز از جانب خود پروردگار است. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۷۰۹؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۵، ص ۳۹۶؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۱۶-۷۵۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۳۱۹)

۲) پاسخگوی این سؤال تمام انسان‌ها، چه مؤمن و چه کافر هستند. (نحاس، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۱۹؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۸۰۵)

۳) ارواح انبیا، رسولان و حجت‌های الهی به این سؤال پروردگار جواب می‌دهند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ق، ج ۴، ص ۳۳۷)

شایان ذکر است که برای هر دو گزینه اول و سوم روایاتی ذکر شده است؛ بنابراین این دو خبر، به ظاهر یا در واقع با هم متعارض هستند؛ زیرا یکی بیان می‌کند همه موجودات از بین می‌روند و تنها خدا باقی می‌ماند و سؤال و جواب از جانب خود خدا است و دیگری قائل است برخی ارواح زنده می‌مانند و آن‌ها پاسخ الله رب العالمین را می‌دهند. اما تعداد روایات و آراء مخالف، بر دیدگاه سوم غلبه دارد؛ زیرا اکثر مفسران معتقدند «سؤال و جواب، هر دو از جانب خدا است». مطلب جالب توجه آنکه خود علامه نیز ذیل تفسیر آیه ۱۶ سوره غافر تنها دیدگاه اول را بیان داشته‌اند و حتی دو رأی دیگر را ذکر نکرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ج ۱۷، ص ۳۱۹) اما در هنگام تفسیر آیه ۶۸ زمر، دیدگاه سوم را بیان نموده‌اند!

گزینه دوم نیز رأی تفسیری ابن مسعود و با تکیه بر ظاهر آیات است؛ که از لحاظ موقعیت زمانی با دو گزینه دیگر متفاوت است، به این صورت که گزینه‌های اول و سوم مربوط به زمان پس از نفع صور اول است و گزینه دوم مربوط به پس از نفع صور دوم و نشور انسان‌ها است. لذا به نظر می‌رسد دیدگاه اول نزد مفسران مقبول‌تر است؛ بنابراین با توجه به اینکه خود آیه «لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ» محل اختلاف است، نمی‌توان به آن استناد کرد و آیه دیگر را تبیین نمود.

با توجه به آنچه گذشت، در نظر گرفتن همه «ارواح» به عنوان مصداقی برای «استثنا» آیه ۶۸ سوره زمر، شاهد کافی ندارد.

۱۱-۳-۵- امام زمان (عج)

برخی نیز علاوه بر بیان تعدادی از آراء پیشین، مصداق دیگری را مطرح نموده و یکی از کسانی که بر اساس مشیت الهی از «صعق» مستثنا خواهد بود را حضرت بقیه‌الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی کرده‌اند:

«در صور دمیده می‌شود؛ سپس از شدت این صیحه یک مرتبه تمام ملائکه آسمان‌ها و تمام اهل زمین از جن و انس و حیوانات می‌میرند. تشبیه به بانگ رحیل است در عسکر و قافله، که کوچ کنید؛ و نافع اسرافیل است که صاحب صور می‌باشد. مگر کسانی که مشیت الهی بر بقاء آن‌ها باشد، مثل حضرت بقیه‌الله که با قرآن، سر حوض کوثر بر پیغمبر وارد می‌شود به مقتضای حدیث ثقلین؛ و مثل حمله عرش و مثل حور و غلمان و خزنه بهشت و خزنه جهنم و من شاء الله». (طیب، ۱۳۶۹، ش، ج ۱۱، ص ۳۴۲)

ایشان دیدگاه خود را به صراحت، اقتضای لازم حدیث ثقلین دانسته است؛ ظاهراً با این تقریر که چون در حدیث آمده قرآن و اهل بیت از هم جدا نمی‌شوند «حتی یردا علی الحوض»، لذا ایجاد فاصله با مرگ و صعق خلاف اقتضای حدیث دانسته شده است. اگر امام زمان (عج) از صعق مستثنا نشوند، به اقتضای حدیث، پیوند و اتصال قرآن و عترت تا ورود به حوض کوثر

اتفاق نمی‌افتد لذا این مفسر با تکیه بر حدیث ثقلین، امام مهدی (عج) را یکی از مصادیق استثناسدگان دانسته‌است.

همچنین با توجه به شباهت‌هایی که در روایات برای قیامت و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده و آیات بعد از آیه ۶۸ زمر نیز ناظر بر این امر است، این احتمال که مقصود از استثنا حضرت مهدی علیه‌السلام و خواص ایشان باشند، تقویت می‌شود؛ همچنین می‌توان روایتی که بیان می‌کند شهدا با شمشیرهای بر کمر بسته در کنار عرش الهی حضور پیدا می‌کنند، را قرینه‌ای بر این مطلب دانست.

#### ۱۲-۳-۵- پیامبر اکرم (ص)، خاندان ایشان و اهل معرفت

برخی از علمای عامه و خاصه روایتی از حضرت صادق علیه السلام نقل نموده‌اند که در این روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اهل بیت ایشان و اهل معرفت، استثناسدگان از صعق معرفی شده‌اند. ابی‌نصر بیان داشته: «و قال جعفر فی قوله: محمد صلی الله علیه و سلم و اهل بینه و اهل المعرفة.» (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۲۲۴) همچنین در خبر دیگری آمده‌است: «قال جعفر الصادق رضی الله عنه: اهل الاستثناء محمد صلی الله تعالی علیه و سلم و اهل بینه و اهل المعرفة» (حقی برسوی، بی- تا، ج ۸، ص ۱۳۸؛ نهاوندی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۳۹۴) «لأنهم بوجه هو، كما روی أنهم قالوا: «إن مع الله حالات، نحن هو، و هو نحن.» یعنی «جعفر صادق که خدا از او راضی باد فرمود: «استثناسدگان محمد صلی الله تعالی علیه و سلم و اهلبیت ایشان و اهل معرفت هستند»؛ زیرا آن‌ها نمودار او هستند؛ همان گونه که از آن‌ها روایت شده که فرموده‌اند: «همانا با خداوند حالاتی هست که ما او هستیم و او ماست.» (نهاوندی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۳۹۵) شاید بتوان با در نظر گرفتن این حدیث و یادآوری مصداق چهارم در این مقاله (خود پروردگار) که حسن بصری با تکیه بر آیه «و یبقی وجه ربک ذو الجلال و الاکرام» (الرحمن: ۲۷) خود پروردگار را از این امر مستثنا دانسته‌است؛ این دو مصداق را با هم منطبق دانست.

در آیات ۸۷ و ۸۹ سوره نمل آمده: «و یوم ینفخ فی الصور ففرع من فی السماوات و من فی الأرض إلا من شاء الله و کل أتوه داخرین (۸۷) من جاء بالحسنة فله خیر منها و هم من فرع یومئذ آمنون (۸۹)» و روزی که در صور دمیده شود، پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است به هراس افتد، مگر آن کس که خدا بخواهد و جملگی با زیونی رو به سوی او آورند. (۸۷) هر کس نیکی به میان آورد، پاداشی بهتر از آن خواهد داشت، و آنان از هراس آن روز ایمنند.» (۸۹)

در شرح و تفسیر این آیه روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده که این روایت در بسیاری از کتب عامه و خاصه با چندین سند ذکر شده‌است: یکی از یاران امام علی علیه السلام به نام «ابو عبد الله جدلی» خدمت امام آمد؛ حضرت فرمودند: «آیا از معنی این سخن خداوند من جاء بالحسنة فله خیر منها ... (تا پایان آیه بعد) به تو خبر دهم؟ عرض کرد آری فدایت شوم ای امیر مؤمنان! فرمود: الحسنه معرفة الولاية و حینا اهل البیت و السيئة انکار الولاية و بغضنا اهل البیت» «حسنه شناخت ولایت و دوستی ما اهل بیت است و سیئه انکار ولایت و دشمنی ما اهل بیت می‌باشد» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۳۱؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۶۳؛ ابن حکم، ۱۴۰۸، ص ۲۹۴؛ کوفی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۵؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۳۰۲۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۵، ص ۴۶؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۴۸؛ ابن مردویه، ۱۴۲۴، ص ۲۴۲) احادیثی که از ابی‌نصر و ابوعبدالله جدلی نقل شده مکمل و مفسر یکدیگر است و هر دو حدیث نیز تبیین‌کننده استثنا در آیه ۶۸ سوره زمر و ۸۷ سوره نمل است. در تأیید این نظریه آیات و روایات فراوان دیگری نیز وجود دارد که ذکر آن‌ها از مجال این مقاله خارج است.

#### ۴-۵- حکمت استثنای از صعق

علت و حکمت اشاره به این استثنا چیست؟ آیا تنها برای نشان دادن کرامت استثناسدگان و عنایت خاص پروردگار به آن‌ها است یا اینکه نشان از احاطه و قدرت پروردگار دارد؟ شاید هم

این استثنا حکمت دیگری داشته باشد؟ چرا برخی افراد دچار بیهوشی و مرگ نمی‌شوند؟ آیا برای آنان در زمانی که تنها حیات‌داران در آسمان‌ها و زمین‌اند، برنامه‌ای تدارک دیده شده و قرار است عمل خاصی انجام دهند؟ یا این استثنا شدن، تنها به عنوان پاداش ویژه، برای آنان در نظر گرفته شده است؟

برخی با استناد به آیه ۸۹ سوره نمل، صعق را به فزع تفسیر نموده و داشتن عمل صالح و اخلاص را عاملی برای مصون ماندن از این فزع و به عنوان حکمت این امر دانسته‌اند؛ اما با در نظر گرفتن برخی از روایات، (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۰، ص ۱۳) به نظر می‌رسد نفخه‌های فزع و صعق دو نفخه جداگانه باشد. اگر بپذیریم برای استثنائندگان برنامه‌ای در نظر گرفته شده، با یکی دانستن این نفخه‌ها نیز، نمی‌توان داشتن این صفات را حکمت استثنا کردن دانست، بلکه به نظر می‌رسد این صفات، یکی از ویژگی‌ها و لوازم ضروری برای ورود افراد به جمع استثنائندگان باشد؛ و نه حکمت استثنا از صعق.

از جانب برخی مفسران در حکمت «دمیدن در صور» مطلبی بیان شده است؛ (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۳۵۰) اما روایت یا دیدگاهی از مفسران که گویای حکمت استثنا کردن برخی از صعق باشد، یافت نشد. به نظر می‌رسد برای یافتن حکمت و دلیل استثنای از صعق، باید روایات را بررسی کرد. غالباً در تفاسیر چنین بررسی صورت نگرفته و به این موضوع پرداخته نشده؛ نگارندگان هم وجه قبل توجهی برای این کار و حکمتش نیافتند. امید است افرادی بررسی را گسترش دهند.

#### ۶- نتیجه‌گیری

در آیه ۶۸ سوره زمر فعل «صعق»، به صورت مطلق برای همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، به‌کار رفته؛ اما در ادامه، این عبارت با تعبیر «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» مقید گشته است. در حقیقی یا مجازی بودن معنای این تقیید، میان مفسران فریقین اختلاف نظر وجود دارد. با توجه به ظاهر آیه، روایات و اجماع

مفسران این نتیجه حاصل شد که استثنا در این آیه، از نوع حقیقی و متصل است؛ به این صورت که با نفخ صور اول، همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند، مگر افراد خاصی از ساکنان زمین و آسمان‌ها. مفسران برای یافتن مصادیق استثنائندگان از «صعق» در نفخ صور اول آراء مختلفی ارائه کرده‌اند که بررسی‌های صورت گرفته نشان داد، در ظاهر آیه مورد بحث قرینه‌ای برای تشخیص مصادیق وجود ندارد و تنها با استناد به آیات دیگر و روایات و همچنین بررسی قرائن صحت احادیث می‌توان احتمالات ارائه شده را ارزیابی نمود. پس از بررسی آیات و روایات مشخص شد دیدگاه‌هایی چون استثنا بودن شهدا، انبیا و امام زمان علیه‌السلام مطابق با مباحث قرآنی، روایی و عقلی است و این سه مصداق منطبق و هم‌سو با مصداق آخر یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اهلیت ایشان و اهل معرفت است. به این صورت که «شهدا، انبیا و امام زمان علیه السلام» ذیل آخرین مصداق قرار می‌گیرند که «شهدا» یا امامان معصوم علیهم السلام هستند و اهلیت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشند و یا افرادی هستند که به وسیله اعتقادات و اعمالشان در زمره اهل معرفت جای می‌گیرند. با تطبیق آیات و روایات، انبیا با قرارگیری در جایگاه اهل معرفت از صعق در امان خواهند ماند. حضرت موسی علیه السلام نیز از آن جهت که از انبیا اولوالعزم بودند، ذیل مصداق آخر قرار می‌گیرند اما شواهد ارائه شده از سوی مفسران برای اثبات امان ایشان از صعق قابل قبول نیست. دیدگاه‌های «فرشتگان، حور و ولدان و نگهبانان بهشت و جهنم، پروردگار، مارها و کزدمان، اموات قبل از نفخ صور و ارواح» به دلیل مطابقت نکردن روایات و اخبار آن با قرائن و اصول صحت، قابل اتکا تشخیص داده نشد.

کتابنامه:

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۸ ق). تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- الصحيفة السجادية، ترجمه و شرح فیض الإسلام، (۱۳۷۶ ش). تهران: فقیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۱ ش). خصال. تهران: کتابچی.
- ..... (۱۳۸۷ ش). عیون أخبار الرضا علیه السلام. تهران: نشر جهان.
- ابن جوزی، ابوالفرج جمال الدین (۱۴۱۹ ق). بستان الواعظین و ریاض السامعین. محقق ایمن البحیری، بیروت: الکتب الثقافیة.
- ابن حکم، حسین (۱۴۰۸ ق). تفسیر الحبری. بیروت: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- ابن سینا، حسین بن علی (۱۳۹۵ ق). الشفا الطبیعیات. تحقیق جورج فنوتی و سعید زاید، قاهره: المکتبه العربیه.
- ابن شاذان، فضل (۱۳۵۰ ش). الايضاح. به کوشش جلال الدین محدث ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن قتیبه، عبدالله (۱۴۰۵ ق). تأویل مختلف الحدیث. بیروت: مکتب الاسلامی.
- ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۹۷۳ م). اعلام الموقعین عن رب العالمین. بیروت: چاپ طه عبدالرئوف سعد.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
- ابن هشام، عبدالله بن یوسف (۱۴۲۴ ق). مغنی اللیبب عن کتب الأعراب. قاهره: مطبعه المدنی.
- ابن ابی جامع، علی بن حسین (۱۴۱۳ ق). الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز. قم: دار القرآن الکریم.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ ق). تفسیر القرآن العظیم. ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العلمیه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱ ق). تفسیر غریب القرآن. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- ابن مردویه، احمد بن موسی (۱۴۲۴ ق). مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام و ما نزل من القرآن فی علی. قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق). البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.
- ابوربه، محمود (۱۹۶۹ م). شیخ المضیره. قاهره: الاعلمی للمطبوعات.
- امین، نصرت بیگم (۱۳۷۵ ق). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن. اصفهان: نشر گلبهار.
- ألوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه.

- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: موسسه البعثة.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۸۳ش). الرجال. تهران: دانشگاه تهران.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق). تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- تیمی، یحیی بن سلام (۱۴۲۵ق). تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القيروانی. بیروت: دار الکتب.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جوهری فارابی، أبونصر (۱۴۰۷ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع و النشر.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا). تفسیر روح البیان. بیروت: دار الفکر.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
- ذهبی، شمس الدین (۱۴۲۷ق). سیر اعلام النبلاء. قاهره: دار الحدیث.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار الشامیة.
- روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر (۲۰۰۸م). عرائس البیان فی حقائق القرآن. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۶ش). مقدمة الأدب. تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- ..... (۱۴۰۷ق). الكشف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دار الکتب العربیة.
- سایت اسراء (۲۱/۱۰/۱۳۹۳ش). تفسیر سوره مبارکه زمر.
- سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم. بیروت: دار الفکر.
- سهروردی، شهاب الدین یحیی (۱۳۸۴ش). حکمت اشراق. ترجمه و شرح سید جعفر سجادی، تهران: دانشگاه تهران.
- سیوطی، عبد الرحمن ابی بکر (۱۴۱۶ق). الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالفکر.
- صافی، محمود (۱۴۱۸ق). الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویة هامة. دمشق: دار الرشید.
- صدر الدین شیرازی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹ش). الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه. قم: انتشارات مصطفوی.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۱ق). تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق. بیروت: دار المعرفة.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.



- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*. اربد: دار الكتاب الثقافی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. تهران: مکتبه الصدر.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*. مشهد: نشر مرتضی.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۴ش). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- فضل بن حسن (۱۳۰۷ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). *لجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش). *تفسیر التمی*. قم: دارالکتاب.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد (۱۳۸۴ش). *الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول*. مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.
- کهن، راب. آ (۱۳۵۰ش). *گنجینه‌ای از تلمود*. ترجمه امیر فریدون گرکانی، تهران: چاپخانه زیبا.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۴۸ش). *اختیار معرفة الرجال*. به کوشش حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- طیّب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلام.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات الکوفی*. تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*. تهران: مطبعه العلمیه.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۳۷۳ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر*. بیروت: دار إحياء التراث.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). *العین*. قم: دار الفکر.

نیآوردی، علی بن محمد (بی تا). *النکت و العیون تفسیر الماوردی*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). *پیام قرآن*. تهران: دارالکتاب السلامیه.

هاشمی، احمد (۱۴۲۳ق). *جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع*. قم: مرکز مدیریت حوره علمیه قم.

منصوری، محمدهادی (۱۳۹۱ش). «تفسیر نفخ صور». *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری*، شماره ۱۱.

هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۱۶ق). *أسرار آل محمد علیهم السلام*. قم: الهادی.

میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش). *کشف الاسرار و عدة الابرار*. تهران: امیرکبیر.

André Gottschalk, Hugo Van Aken and Thomas Standl; (2011). *Is Anesthesia Dangerous?*. *Deutsches Ärzteblatt International*

نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق). *اعراب القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

Maggio, Christopher R, Marshall, Thomas C, Stolzenburg, Maribeth (2009). "Estimations of charge transferred and energy released by lightning flashes in short bursts". *Journal of Geophysical Research: Atmosphere*.

نهادندی، محمد (۱۳۸۶ش). *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن*. قم: موسسه البعثه، مرکز الطباعة و النشر.

